مكتبة الهمّة

الدولة الإسلامية

چه کسی قیمت تحکیم شریعت را می پردازد؟

به قلم: الشیخ ابراهیم الربیش

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد الله رب العالیمن و الصلاۀ و السلام علی الصادقین الأمین نبینا محمد آله و صحبه و من تبعهم بإحسان إلی یوم الدین ، أما بعد؛

پروردگارا حمد و سپاس برای تو باشد؛ که ما را بر روی فطرت خلق کردی روی اسلام رشد دادی و ایمان را بر ما محبوب کرده ای و آن را در قلوب ما زینت بخشیده ای و کفر و فسق معصیت را نزد ما ، بد و کریه کرده ای ، پس بارلها ما را از هدایت یافتگان نجات دیدگان قرار بده

و هیچ نعمتی با نعمت اسلام برابری نمی کند ، این سرّ وجود است ، این همان نعمتی است که اگر از بنده گرفته شود و از او سلب گردد ، همچون حیوانی می گردد ، راست گفت آن کس که گفت:

چه دین ارزشمند و بزرگی است، اگر مردانی غیور داشته باشید، چه دین بزرگی است اگر اهل آن در عزتمند ساختننش سعی نمایند

چه دین زیبایی است که تمام شئونات زندگی را نظم بخشیده است و بین مصلحت های عام و خاص به صورت عجیبی ارتباط و نظم ایجاد کرده است.

هیچ مسئله ای از مسائل زندگی نمانده است إلا اینکه آن را منظم و منضبط کرده است ، هیچ لحظه ای از لحظات زندگی وجود ندارد مگر اینکه أثر اسلام به وضوح در آن دیده می شود ، از لحظه ای از خواب بیدار می گردد! تا لحظه ای که می خوابد بلکه احکام اسلام در خواب بنده وارد میگردد!

حتی رؤیایی که شخص در خواب می بیند اسلام آن را تعبیر کرده و حکم آن را می گوید ، دسته ای از این رؤیاها هیچ ارزش و اعتباری ندارد . دسته ای بشارت هستند و احکام خاصی ندارند و دسته ای نیز واجب است از آن خود را پاک کرد ، پس چه دینی بزرگ تر از این دین ؟

مسلمانان حقیقی که حقیقتاً اللّه را عبادت می کنند ، این دین را همانطوری که از جانب اللّه آمده است ، عمل کرده و نگه می داردند و هوای نفس خود را در آن داخل نکرده و آرزوی انسانی را نیز به آن وارد نمی کنند و آراء و نظرات بشر را بر اللّه و رسولش تقدیم نمی دارند و برتر و ارجح نمی دانند .

مسلمان حقیقی کسی است که أمر اللّه را بدون هیچ شک و تردیدی می گیرد ، و همین برایش کافی است که بداند ؛ آن أمر از طرف اللّه است تا بدان تسلیم گردد .

اللّه متعال می فرماید : (هیچ مؤمن مرد و زنی حق ندارد هنگامی که اللّه و رسولش به أمری حکم کردند از خود اختیار در حکمشان نشان دهند)

بلکه بالاتر از آن ؛ باید تسلیم کامل به آن باشد : (پس نه ؛ قسم به پروردگارت آنها مؤمن محسوب نمی شوند تا اینکه تو را داور مشکلات خود کنند سپس در درون خود نسبت به قضاوت تو هیچ حرج و ناراحتی نگیرد و تسلیم کامل گردند)

پس باید ناراحتی و حرج را به طور کامل از دل خود بیرون کرده و تسلیم مطلق گردد تا بلکه ایمان صحیح گردد .

کسی که حقیقتاً مسلمان می باشد و اللّه را با عبودیت کامل عبادت می کند ، دین را همانطوری که که از جانب اللّه آمده است می گیرد بدون جدایی و تمییز بین چیزی از آن گونه ای نیست که نظام اجتماعی را از اسلام بگیرد و نظام اقتصادی را از غرب ، یا اینکه نماز را واجب بداند و از جهاد جلو گیری کند بلکه او تمامی دین را از اللّه قبول کرده و می گیرد. همانطوری که اللّه متعال می فرماید : (ای اهل ایمان به طور کامل و کلی وارد اسلام شوید)

ابن کثیر رحمه اللّه در تفسیر این آیه می فرماید:

"اللّه متعال که بندگانش به او ایمان آورده اند و رسولش را تصدیق کرده اند امر کرده و به آنان می گوید: همه پایه های اسلام و شریعتش را گرفته و به جمیع اوامرش امر کرده و از تمامی نهی کرده هایش دوری کرده و ترک کنند ، هر چقدر که در استعاعتشان است"

هرکسی که چیزی از تشریعات اسلام را به هر علتی ، ترک کند ، نوعی مشابهت به یهود نموده که اللّه متعال در مورد آنها می فرماید: (آیا پس به بعضی از کتاب آسمانی ایمان آورید و به بعضی دیگر کافر می گردید؟)

پس بنده حقیقی اللّه به جمیع أوامرش پایبند می گردد بدون اینکه بین آنها تفرقه و تمییزی قائل شود ، قطعاً مسلمان حقیقی است که دین اللّه را بدون توجه به هوای و هوس بنی آدم می گیرد قبول می کند و به فرموده اللّه متعال عمل می نماید: (اللّه را به گونه ای مخلصانه به دینش عمل می کنید، بخوانید، هر چه که به کافران ناخوشایند آید)

پس رضایت و نارضایتی بشر در دین مسلمانانی که تمام دین خود را برای اللّه متعال خالص کرده هیچ اعتبار و ارزشی ندارد .

امت کفر که پرچم جنگ علیه اسلام را بلند کرده است از این که مسلمانان به بعضی از گوشه های اسلام عمل کنند ترسی ندارند ، بلکه ترسشان این است که مسلمانان به کل دین چنگ زنند و عمل کنند !

کسی که به شعائر و راز و نیاز چنگ زند و به آن مقدار اکتفا کند ، همراه با آنها در صلح و سلام و صفا زندگی خواهد کرد ، حتی اگر بی وقفه نماز خوانده و بی افطار روزه بگیرد !

امت کفر ترسش از کسی است که به کل دین چنگ زده و عمل کند ؛ نماز می خواند و روزه می گیرد و جهاد می کند و دوستی و دشمنی خود را به خاطر اللّه به جای می آورد .

در این هنگام است که امت کفر احساس خطر کرده و کل قوا و نیروهایش را فرا می خواند برای جنگ برای دین خالصی که به هوی و هوس و شهوات کفار آلوده نگشته است .

اللّه متعال هنگامی که به ما فرمود : (در کل ابعاد دین اسلام وارد گردید) ،

و بعد از آن نیز فرمود : (از قدمگاه ها و برنامه های شیطان پیروی نکنید چرا که شیطان دشمنی آشکار علیه شماست)

قطعاً شیطان بر بعضی از مسلمین چیره شده و بر آنها تسلط یافته است به طوری که آنها بعضی از اوامر اللّه را ترک کرده اند ؛ یا به این خاطر از کفر می ترسند و یا اینکه می خواهند از سرزنش کفار فرار کنند ،

چه عیب و مشکل بزرگی که امروز تحکیم شریعت از حیات و زندگی مسلمین غایب شده است و کفار در دین ما دخالت می کنند ، و ما را ملزوم به تحاکم و داوری به سوی قوانین ساختگی بشر می کنند ، قوانینی که در آن غیر اللّه عبادت می گردد ، متأسفانه مسلمانان نیز سر خود را در مقابل آنها فرود آورده اند تا اینکه مسئله تحکیم شریعت از ذهن بسیاری از مسلمین مخفی گشته است مسلمانان به وضع علمانی ها و لائیك ها زندگی می کنند در حالیکه اثر شان را نمی دانند .

غرب شدیداً از اسلام می ترسد ، نه بخاطر نماز و روزه ، بلکه به خاطر تحکیم کامل شریعت ، چرا که می دانند با این کار سلطه و تسلط آنها از بین رفته و سلطه حکومت فقط از آن اللّه خواهد بود .

و این یعنی اینکه کفار دست خود را از بلاد مسلمین کشیده و دیگر حق ندارند بر دیار مسلمانان حکومت کنند .

ثروت های آنان را به تاراج ببرند ، غرب حقیقت این جریان را می داند برای همین نمی نشیند و از هر راهی که بتواند جلوی تحکیم شریعت را می گیرد هر راهی که پیدا کند جلوی تحکیم دین الله توقف خواهد کرد ، متأسفانه بسیاری از دعوتگران اسلامی از این حقیقت واقعی غافل بوده یا اینکه خود به غفلت زده اند و گمان می کنند که خطبه گفتن بر روی منبر ها و سخنرانی های داخل مجالس و پخش کردن بروشورها و نشریه ها بین مردم ، به تطبیق شریعت می رسند ؛ بدون آنکه قیمت آن را بپردازند !!

بعضی نیز در این باره نظریه پردازی کرده و می گویید: اگر آنها مردم را از واجب بودن تطبیق شریعت آگاه کرده و طلع سازند ، مردمی که قادرند بر طاغوت فشار آورده و آن را ساقط کنند ،

همان مردمی که قادرند بر همین طاغوت فشار آوردند تا آنها تحکیم شریعت کنند !

قسم به الله ، آرزو داشتم سخن آنها حق می بود ، در مجلسی نشسته بودم ، از یکی از همین بزرگان سؤال پرسیدم:

آیا گمان می کنی شریعت بدون جهاد و قتال تحکیم می گردد ؟

گفت : بله ، و شروع به استدلال برای صحت و کلام خود کرد و استدلال به نامه نگاری رسول الله صلی الله علیه وسلم با امت های کفر کرد !

تعجب کردم از سخن او ، من نسبت به رسول الله صلی الله علیه وسلم جاهل نبودم ، ولی سخن او دلالت بر جهلی بزرگ نسبت به واقع می نمود.

سید قطب رحمه الله تعالی می گوید : "ای کاش راه آسان تری در تحول ، و تغییر دادن ملت ها به سوی اسلام در دعوت و بیان احکام اسلام وجود داشت ، ولی این یک خیال و آروزست چرا که ملتها هیچ گاه از این جاهلیت و عبادت طاغوت به سوی اسلام و عبادت الله بدون هیچ شریکی ، متحول نمی گردند مگر از طریق این راه سخت و دراز که دعوت اسلام هر بار از طریق آن حرکت کرده ، راهی که اول آن یک نفر شروع می کند سپس گروهی از این راه پیروی می کنند ، سپس این گروه تازه برای مقابله با جاهلیت راه می افتند ، در این راه اذیت های بسیاری می بینند تا اینکه الله بین آن حرکت و قومش حکم و داوری کرده و برای آن حرکت و گروه در زمین تمکین و قدرت می دهد ، سپس مردم فوج فوج و گروه گروه در دین الله داخل می گردند"

بعضی هم گمان کرده اند که چون غرب راضی به تحکیم شریعت نمی گردد پس سعی خود را در بعضی از احکام شریعت قرار داده اند ؛ آن هم با کسب اجازه از غرب ، به همین خاطر همیشه در رسیدن به صندوق های انتخابات از همدیگر سبقت می گیرند و این کار را جزو جهاد در راه الله می دانند و برای داخل شدن در مجالس قانون گذاری مسابقه می دهند ،

مجالسی که قوانینی مخالف شرع الله به تصویب می رساند

و با قسم خوردن بر احترام قانون اساسی ، کفر کرده و فعل آن را مباح می شمارند ، احترام به قانونی که بر شریعت الله ترجیح داده شده است به این امید که قوانین موافق با شریعت اسلام صادر کند !

در حالیکه فراموش کرده اند اگر آنها در تطبیق کامل شریعت موفق شوند نیز باز ناچارند آن را بعد از موافقت مجلس نیز باز ناچارند آن را بعد موافقت اکثریت مجلس تطبیق و اجرا نمایند نه با موافقت حکم الله !

و آیا اصلاً الله عزَّوجلَّ هنگامی که ما شریعتش را پس از کسب اجازه از محضر دشمنانش تحکیم می کنیم، از ما راضی خواهد شد ؟؟

اصلاً چگونه بتوانیم شریعتش را تطبیق کنیم در حالیکه قسم بر احترام نهادن قانون ضد شریعت خورده ایم ؟؟

شیطان گروهی دیگری را نیز این گونه فریب داده است که ؛ گمان کرده اند باید قبل از تطبیق شریعت الله سبحانه تعالی ، غرب را راضی کرده و ولاء و دوستی خود را به آنها نشان داد ، بلکه باید نصرتش نیز داد !

آنان در این راستا تلاش بسیار عجیب و سریعی می کنند ، یا با کفار غرب در تحالف شرکت کرده و عضو می گردند و یا این که اعلان می کنند ؛که ما دولت اسلامی نمی خواهیم ! گمان می کنند بعد از این کارها اگر به منصب حکومت رسیدند می توانند تحکیم شریعت کنند ، تصور کنیم آنها موفق به رسیدن به منصب حکومت شوند ، چطور اللّه متعال از تحکیم شریعت توسط آنها راضی خواهد شد در حالیکه آنها در کفر صریح و واضحی افتاده اند ؟

محمد قطب می فرماید: "مخلصانه به داعیانی که ندای دموکراسی سر می دهند می گویم: قطعاً دموکراسی با این شیوه و صورتی که امروز وجود دارد ، هیچگاه آنها به اسالم نخواهند رساند، چرا که این دموکراسی مخالفت مبدأی و اساسی با التزام به هر چیزی می کند حتی اگر این چیز از نزد اللّه متعال باشد. بلکه اولین چیزی که دموکراسی آن را از بین می برد و نابود می سازد آن چیزی است که از طرف اللّه آمده است سپس دلسوزانه و خالصانه به آنها می گوییم: دموکراسی از جانب دیگر نیز نیز به اسلام نخواهد رساند ، آن هم اینکه کسانی که سردمداران و زمان دار این بازی سیاسی (دموکراسی) هستند دروازه ها را بر روی هر مفسد و گمراهی و بیهوده کاری باز می کنند ولی هیچگاه دری بر روی اسلام باز نمی کنند ، قضیه الجزائر هنوز در ذهن ما زنده است ! هر کسی اجازه دارد رأی اغلب مجلس را به دست بیاورد إلا اسلامگرایان !

با خودمان و با مردم صریح باشیم: چیزی که ما می خواهیم اسلام است و اسمی به غیر از اسلام وجود ندارد ، پس این دعوتگران اسلام گمان نکنند اگر هویت اسلامی خود را مخفی ساخته و لباس دموکراسی به تن کنند حتماً به آنها اجازه داده خواهد شد و عبور خواهند کرد ، نه هرگز ! سگ های شکاری حس بویایی بسیار قوی دارند و از دور نیز بو را احساس می کنند (فاصدع بما تؤمَر و اعرض عن المشرکین)

از کتاب (لا اله الا اللّه ، عقیده و شریعت و راه زندگی)، این کتاب بسیار با ارزش و بزرگی است و شایسته است آن را هر مسلمانی که لا إله إلا اللّه می گوید بخواند .

قضیه جبهه انقاذ الجزائر نباید از ذهن هیچ فرد حریص بر تحکیم شریعت خارج گردد ، در آنجا نه جنگی اتفاق افتاده بود ، نه تمرین و تدریجی ، بلکه فقط از انتخابات بوی اسلام گرایان می آمد ، برای همین دشمنان اسلام با توپ و تانگ و نیرو های نظامی در الجزائر دخالت کردند تا بلکه بتوانند نتیجه انتخابات را در دست بگیرند ، غرب به این بهانه بر اوضاع آنجا تسلط یافت و هیچ مجالی برای شریعت اسلامی ترک نکردند ، و هر اثری از تحرک اسلامی می دیدند ، با آن به شدیدترین حالت می جگیدند با بهانه های مختلف ، هنگامی که حکومت طالبان بر پاشد ، کفار با این حکومت به بهانه ی پناه دادن به شیخ اسامه رحمه اللّه جنگیدند ، پناه دادن به شیخ اسامه رحمه اللّه چیزی از شریعت بود .

هدف آنها جنگ با شریعت بود ، و در عراق ، با دولت عراق اسلامی جنگیده شد این جنگ به خاطر جنگجو بودن دولت اسلامی عراق نبود بلکه به خاطر این بود که دولت عراق اسلامی اهل جهاد بود و برای تحکیم شریعت سعی می کرد .

و در سومالی ، هنگامی که محاکم اسلامی بر پا شد نیروی های کفری آفریقا برای اشغال سومالی اجیر شدند و به آنجا فرستاده شدند .

در یمن ، حوثی ها بر مناطق واسعی از یمن سیطره یافتند و حکومت طاغوت نیز به صورت ساده و پوچ و مسخره با آنها شروع به جنگ کرد ، ولی هنگامی که مجاهدان انصار الشریعهٔ در منطقه تحت در آورده بودند تحکیم شریعت نمودند ، صلیبی ها و نوکرانشان و همگی علیه مجاهدان انصار الشریعه بلند شده و حکومت طاغوت یمن دست از جنگ با حوثی ها کشید تا بلکه با مجاهدان انصار الشریعهٔ جنگ کنند ! کشور با خاک یکسان شد ، بمباران های پی در پی بر روی خانه ها و منازل صورت گرفت و بچه ها و زنان بدون هیچ گناهی کشته شدند ، گناهی نداشتند جز اینکه زمین آنها انصار شریعت را پناه داده بود ! و این جنگ علتی نداشت جز شریعت و یاری دهنگان شریعت ، اگر علتش برای حفظ استقلال کشور و نفوذ حکومت مرکزی بود ، باید علیه حوثی که چند سال است بر مناطق واسعی از یمن سیطره یافته اند و اهل سنت را اذیت می کنند صورت می گرفت .

ما اگر این کفار را تصدیق کنیم در این که با مجاهدان در افغانستان جنگیدند به خاطر این که مجاهدین را پناه داده اند و با دولت عراق اسلامی به خاطر این که با اشغالگران می جنگید و با مجاهدین سومالی و مجاهدین انصار الشریعه در یمن به خاطر اینکه تجارت نفت کفار که از نزدیکی آنها عبور می کند را به خطر انداخته بودند ، جنگیده می شوند ، پس گناه و جرم مجاهدین شام چیست ؟! به چه دلیل با مجاهدان (انصار الدین) در مالی می جنگند ؟ جماعتی که نه اسمش القاعده بود و نه هم یکی از کشورهای همسایه را تهدید کرده بود ، فقط بر قسمتی از صحراء سیطره یافته بود ،نه نزدیک دریا بود و نه چیزی از ثروت صلیبی ها سیطره یافته بودند .

و اگر بهانه شان این است که کشور های همسایه از آن ها طلب کرده اند که به جنگ بیایند ، این حکومت طاغوت یمن که چندین سال است با حوثی ها می جنگد چرا به جنگ حوثی ها نمی روند .

و یا در سودان چندین سال است با مسیحی جنوب دست و پنجه نرم می کند ، پس چرا به آنها لشکر کشی نمی کنند ؟! (و ما نقمو منهم إلا أن يؤمنوا بالله العزيز الحميد)

امت کفر همه نیرویش را فرا خوانده و فرانسه پیش قدم شده و خلبان هایش را فرستاده وکارشناسان نظامیش را ارسال کرده است آیا همه اینها به خاطر طلب یک حکومت دوست و بسیار فقیر از آنها بود ؟! بلکه جنگ فقط علیه تحکیم شریعت است .

همه مسلمانان آرزو دارند به شرع اللّه حکم نمایند ، و هر کسی که این آرزو را ندارد ، در اسلام خود یک نگاهی بیاندازد ، چرا که اللّه متعال می فرماید : (فإن تنازعتم فی شیءٍ فردوه الی اللّه و الرسول ....)

ولی قضیه ناراحت کننده این است که ؛ کسانی که برای تحکیم شریعت سعی می کنند ، به همین مقدار کفایت نمی کنند که تحکیم را در حدّ آرزو بدانند بلکه آن را در لیست اهداف اصلی خود قرار داده و به خاطرش خود را فداء می کنند ، با مال و وقت ، خودشان را برایش فداء می کنند ، ناراحتی در این است

که چنین افرادی کم هستند ، و من به همه این نفرات می گویم : تاریخ معاصر نشان داده است که کفار چه سر سختانه با کسانی که می خواهند تحکیم شریعت نمایند مقابله کرده و می جنگند ، حتی اگر از روی مسالمت آمیز بخواهند تحکیم شریعت نمایند ، برای همین است که پرچم توحید بر پا نخواهد شد مگر بر روی جمجمه های موحدین ، و این بلاد به شریعت حکم نخواهد شد ، مگر بعد از اینکه یاری دهنگان شریعت به خاطرش خون دهند ، پس بنابر این هر دعوتی که به سوی تحکیم شریعت و تطبیق آن است حتماً از سوی هم پیمانان جهانی علیه اسلام محکوم به جنگ است ، مادامیکه از دین و عقیده خود تنازل نکرده و تراجع ننموده و یا اینکه با قوت و حزم تمام ایستادگی می کند .

امت اسلامی هیچ گاه روی نعمت تحکیم شریعت را نخواهد دید تا اینکه پیشروان فدایی آن خود را با شهادت در راه اللّه فدا کنند تا بلکه باقی امت نعمت زندگی زیر حکم اللّه را بچشند و هر کس خود را برای

آن آماده نکرده است لااقل به مردم بفهماند که به تطبیق شریعت نخواهند رسید مگر با فدا کاری ، و تغییر این محیط بی دینی و لائیکی به محیط اسلامی و تحکیم شریعت قیمت هنگفتی از خون مسلمین را می طلبد ، لازم است شخص همین مقدار را فهمیده و به مردم ابلاغ کرده و آموزش دهد ، این حداقل کاری است که دوستدار تحکیم شریعت می تواند انجام دهد ، اگر کسی بگوید: چطور ما را دعوت به تحکیم شریعت می کنید در حالیکه می دانید در این مسیر جنگ با کل امت ها و مردمان کفر وجود دارد ؟ پس در جواب می گوییم: حتی اگر کافران نخواهند ، آیا ما باید منتظر باشیم تا امت کفر به ما اجازه حکم به شریعت بدهد ؟

اگر این طور باشد ما در گمراهی بزرگ و خسارت عظیمی هستیم ، آیا نشنده ایم که اللّه متعال می فرماید: (فادعوا اللّه مخلصین له الدین و لو کره الکافرون)؟؟

چگونه بعد از هر نماز این جمله را تکرار می مکنیم ؛ (لا إله الا اللّه مخلصین له الدین و لو کره الکافرون)؟ آیا معنایش به غیر از این است که ما باید با تمام قوت و قاطعیت به دین اللّه _ که تحکیم و تطبیق شریعت جزوی از آن است _چنگ بزنیم ، هر چند که کفار نخواهند و به خاطرش با ما بجنگند !

یکی از گمراهی ها و آفات این است که برخی گمان می کنند جنگ با کفار می تواند جواز گردن کجی و گردن نهادن در مقابل امت کفر و تنازل از تحکیم شریعت را صادر کند .

آیا اگر امت کفر جمع شوند تا مانع شوند که ما روزه رمضان بگیریم ، آیا پس کسی دیگر می تواند ترک روزه ی رمضان را جایز کند؟؟

بلکه ما می گوییم : ما روزه خواهیم گرفت حتی اگر به خاطرش کشته شویم ،شهید خواهیم بود ! قضیه تحکیم شریعت نیز همینطور است ،

چرا که همگی از امری از طرف اللّه متعال است و آیاتی که در امر به تحکیم شریعت وارد شده است بیشتر از آیاتی است که در مورد واجب بودن روزه رمضان وارد شده است . پس باید مواظب بود که شبیه یهود نگردیم ،کسانی که اللّه متعال در مورد آنها فرمود : (أفتؤمنون ببعض الكتاب و تكفرون ببعض)

قطعاً تلاش برای تحکیم شریعت منجر به کشته شدن بسیاری و آواره شدن خیلی ها خواهد شد و باید دانست که این قیمت رسیدن به عزت است و بدون پرداختن این قیمت نمی توان به این عزت رسیده و این همان قیمتی است که باید برای اخراج یهودی ها از فلسطین و اخراج نصیری ها از شام باید انجام بدهیم .

و این همان قیمتی است که برای اخراج آمریکا از عراق و قذافی از لیبی بپردازیم و هنوز هم بخشی از قیمت مانده است که بپردازیم ، در چند روز کوتاه یا چند ماه به هدف نمی رسیم بلکه الزام است فداکاری ها و از جان گذشتگی های بسیاری انجام دهیم ، امت در خواب عمیقی فرو رفته است و برای پیدا کردنش تلاش بسیار لازم است .

سید قطب رحمه الله می فرماید : "همه آن فداکاری هایی که جهاد در راه الله برای تحقیق عبادت فقط برای الله و برای آزاد شدن بشر از عبادت طاغوت ها و بت ها و برای رساندن و بالا بردن زندگی انسانی به افق های ارزشمندی که الله متعال برای انسان خواسته است . بیشتر از این قیمت و فداکاری و تاوان را کسی که برای غیر الله دین داری می کند و حکم غیر الله را بر پا می کند می پردازد ، کسانی که به خاطر جهاد در راه الله عذاب و درد شهید شدن و از دست دادن جان ها و فرزندان و اموال می ترسند ،

لازم است به این فکر بکنند: قیمتی که پایبند شدن به حکم غیر الله آنان را مکلف به پرداختنش می کند در جان و اموال و فرزندانشان و بالاتر از آن ؛ در اخلاق و ناموس آنها ، چقدر است ؟!؟هزینه جهاد در راه الله برای جنگ با این طواغیت خیلی کمتر از هزینه ای است که به خاطر پایبندی به حکم و قانون غیر الله پرداخت می گردد و علاوه بر این ؛ در راه قانون غیر الله ذلت و خواری و نجاست دنیا و آخرت فراوان است"

و در آخر هر مسلمانی را که برای براندازی طاغوت و خلع و کنار زدن حکم دیکتاتور برخاسته است می گویم و ندا می زنم: ای بندگان الله ، باید دانست که قضیه تحکیم شریعت و از قضایای اختیاری که حق انتخابات در آن باشد و به خواسته مردم در آن توجه شود نیست ، بلکه این مسأله از مسائل تمام شده و قطعی و واضح دین است و از طرف الله فرض و واجب گشته است ،پس هر کس آن را قبول کند مسلمان است و هر کس آن را رد کرده و قبول نکند ، طریق اسلام را از گردن خود بیرون انداخته و به دینی به غیر از دین

اسلام راضی گشته است ، هر چند که ادعای اسلام کرده و نماز بخواند و روزه بگیرد ، ما میان دو گزینه هستیم که گزینه سومی ندارد ، اللّه آن دو گزینه را حصر کرده است : (أفحکم اللّه یبغون و من أحسن من اللّه حکماً لقوم یوقنون) یا باید به شرع اللّه حکم نمود و یا هم به غیر آن که حکم جاهلیت است ، حتی اگر برخی مخالفت این باشند .